

بررسی نقش تشکلهای بخش خصوصی

در بهبود محیط کسب و کار

دکتر علی نصیری اقدم*، زینب مرتضوی فر**

تاریخ پذیرش ۹۰/۱/۲۷

تاریخ دریافت ۸۹/۱۱/۴

یکی از معضلات نظام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری اقتصادی، فاصله فضای فکری تصمیم‌گیران با کسانی است که تصمیمات بر آنها اعمال می‌شود؛ بنابراین بارها شاهد اعتراض صاحبان کسب و کار، به تصمیمات اتخاذشده از سوی دولت و مجلس و ابتر ماندن سیاست‌هایی بوده‌ایم که ساعت‌ها کار کارشناسی صرف آنها شده است.

تجارب بسیاری از کشورها نشان‌دهنده اثرگذاری بخش خصوصی بر سیاست‌های دولت و نیز بر فضای کسب و کار از طریق انجمن‌های کسب و کار است. امروزه انجمن‌های بخش خصوصی در کشورهای مختلف، در کنار دولت و بازار، از ارکان توسعه به حساب می‌آیند و از بازیگران اصلی فرایند تصمیم‌گیری‌اند.

در این مقاله با بررسی تجارب بین‌المللی در زمینه تعامل دولت و بخش خصوصی، نقش انجمن‌ها در بهبود محیط کسب و کار روشن و چند نکته اساسی بحث می‌شود: ۱. به لحاظ نظری چه کارکردهای مثبت و منفی برای تشکلهای اقتصادی متصور است؟ ۲. تشکلهای اقتصادی داخلی و خارجی در عمل چه کارکردهای مثبت و منفی از خود نشان داده‌اند؟ و ۳. با توجه به مبانی نظری و تجربیات عملی، چه نقش‌هایی در راستای بهبود محیط کسب و کار برای تشکلهای اقتصادی قابل تعریف است و دولت چگونه می‌تواند از ظرفیت این تشکلهای استفاده کند؟

کلیدواژه‌ها: بهبود محیط کسب و کار؛ انجمن‌های کسب و کار بخش خصوصی؛ دولت

* دکتری اقتصاد، عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی و مدیر گروه بخش عمومی دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛

E-mail: alinasiri110@gmail.com

** پژوهشگر جهاد دانشگاهی، واحد تهران، پژوهشکده مطالعات توسعه، گروه سنجش و بهبود محیط کسب و کار؛

Email: zmf1362@gmail.com

مقدمه

یکی از مباحث مهم سیاستگذاری چگونگی شکل‌گیری آن است؛ یعنی شیوه سیاستگذاری و چارچوبی که سیاست اقتصادی از دل آن بیرون می‌آید، که حتی از خود سیاست‌ها نیز مهم‌تر است. برنامه‌ریزی متمرکز و مباحثه پشت میزی، شیوه متداول سیاستگذاری در ایران و بسیاری از کشورهای دیگر بوده است. جمعی از مدیران عالی و میانی می‌نشینند و برای کل کشور و تمام مسائل آن تصمیم می‌گیرند؛ بی‌آنکه قادر به لمس مشکل باشند، بستر مشکلات و محل اجرای سیاست را بدانند و به اجرایی بودن یا نبودن سیاست‌ها چندان بیاندیشند. نتیجه این نوع سیاستگذاری، تصویب سیاست‌های نامربوط در جزایری فارغ از صحنه کنش صاحبان کسب‌وکار است که یا اجرا نمی‌شود و یا در صورت اجرا شدن نتایجی به مراتب بدتر از مشکل اولیه ایجاد می‌کند.

نکته قابل تأمل دیگر، زمان‌بر بودن اجرای سیاست‌های کارآمد و مقبول است؛ یعنی حتی اگر یک نقطه ضعف کلیدی به درستی تشخیص داده شود و همه بدانند که یک بسته سیاستی خاص برای رفع آن مشکل کارآمد است، باز هم مقاومت‌های سیاسی از یک طرف و موانع اداری و قوانین قبلی از طرف دیگر مانع از اجرای به موقع آن می‌شود و صاحبان کسب‌وکار اگر بخواهند منتظر اجرای آن باشند، از بین می‌روند و ادامه کسب‌وکار برایشان مقرون به صرفه نخواهد بود.

نکته دیگر تفاوت مسائل و مشکلات اصناف مختلف کسب‌وکار است. ممکن است برای یک صنف، بازار فروش دغدغه اصلی باشد و نتواند محصولات مرغوب خود را به دست مصرف‌کننده برساند و برای صنف دیگر نکول چک‌های خریداران، عدم اطلاع از سابقه مشتریان و نبود نظام اعتبارسنجی معضل اصلی باشد. این دو معضل را با یک نسخه واحد نمی‌توان حل کرد و برای هر یک باید تدبیری جداگانه اندیشید.

استمرار سیاست‌ها نکته دیگری است. کارایی یک بسته سیاستی در گرو دوام و پایداری آن است، اما معمولاً کشورهای در حال توسعه سیاست‌های دولتی بسیار سیال و

متغیری دارند و پیش‌بینی دوره اجرای سیاست‌ها تقریباً غیرممکن است. از این رو سیاست‌گذاری باید از طریق کسانی پیشنهاد و اجرا شود که از قبل در صنعت باشند و بعداً هم بمانند؛ چرا که با این روش از دوام سیاست‌ها اطمینان حاصل می‌شود.

امروزه در دنیا به‌منظور غلبه بر چهار معضل فوق (مسئله‌شناسی نادرست، زمان‌بر بودن اجرای راه‌حل‌های کارآمد، تفاوت معضلات اصناف مختلف و عدم استمرار سیاست‌های کلان) به اتحادیه‌ها، اصناف و انجمن‌های صاحبان کسب‌وکار و به‌طور خلاصه نمایندگان بخش خصوصی متوسل و برای آنها نقش مهمی در حل مسائل قائل شده‌اند. دلیل رجوع به نهادهای کسب‌وکار و فعالان بخش خصوصی، آن است که اولاً، اعضای آنها در کسب‌وکار مرتبط فعال‌اند و بهتر از هرکسی مشکلات خود را می‌دانند و ثانیاً، توافق بین اعضای اتحادیه به‌مراتب آسان‌تر از سطوح بالاتر و به‌زمان کمتری نیاز دارد و ثالثاً، خود این نهادها اجرای سیاست‌های مصوب را ضمانت می‌کنند؛ زیرا منافعشان به اجرای این سیاست‌ها گره خورده است.

نکته کلیدی بحث این است که بخش خصوصی پتانسیل بالایی برای حل و فصل مشکلات اقتصادی و مشارکت در سیاست‌گذاری و پیشبرد اصلاحات دارد؛ با وجود این بسیاری از نظریه‌پردازان اقتصادی با حضور انجمن‌های کسب‌وکار بخش خصوصی در عرصه اقتصاد و قدرت گرفتن آنها مخالف‌اند. این اقتصاددانان، که افرادی چون السون و فریدمن رهبری آنها را برعهده دارند، معتقدند انجمن‌های کسب‌وکار همواره به دنبال اهداف توزیعی و کسب رانت‌اند و سعی در بازتوزیع منابع به نفع خود دارند. به‌نظر این اقتصاددانان، در صورت استمرار سودجویی و نفع‌طلبی‌های گروهی این تشکل‌ها، اقتصاد ضعیف و زندگی اقتصادی و سیاسی بی‌ثبات و متزلزل می‌شود (فریدمن و فریدمن، ۱۳۷۸).

با توجه به نظریات فوق، این سؤال مطرح می‌شود که آیا فعالیت انجمن‌های کسب‌وکار فاقد هرگونه آثار مثبتی است؟ آیا انجمن‌های کسب‌وکار در عمل توانسته‌اند تأثیری بر بهبود کسب‌وکار داشته باشند؟ انجمن‌های کسب‌وکار برای حضوری کارا تر در اقتصاد، چه اقداماتی می‌توانند انجام دهند؟ حکومت‌ها چه اختیارات و وظایفی را به بخش

خصوصی می‌سپارند و چگونه می‌توان از قابلیت‌های آنها در بهبود فضای کسب‌وکار بهره برد؟ فرضیه کاربردی مقاله حاضر این است: زمانی استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی نافع است که این نهادها مکمل و مقوم بازار باشند.

با هدف پاسخ‌گویی به سؤالات فوق، به بررسی تجارب کشورهای مختلف می‌پردازیم تا نقش انجمن‌های کسب‌وکار بخش خصوصی را در عرصه اقتصاد روشن سازیم. بر این مبنای مقاله حاضر در قالب چند محور اصلی سامان می‌یابد: الف) نظریه موافقان و مخالفان در ارتباط با انجمن‌های کسب‌وکار بررسی می‌شود و کارکردهای مثبت و منفی انجمن‌های کسب‌وکار از لحاظ نظری مورد تأکید قرار می‌گیرد؛ ب) تجارب کشورهای مختلف در کانون توجه قرار می‌گیرد و به اقدامات مؤثر تشکیل‌های بخش خصوصی در کشورهای مختلف اشاره می‌شود و ج) با توجه به نظریات و نیز تجارب عملی کشورها، ظرفیت بخش خصوصی در بهبود محیط کسب‌وکار مورد بحث قرار می‌گیرد.

شایان ذکر است که در این پژوهش از روش اسنادی استفاده شده و مستندات با استفاده از تجربیات جهانی و به صورت کتابخانه‌ای گردآوری و تنظیم شده است.

۱ کارکردهای مثبت و منفی انجمن‌های کسب‌وکار: تحلیل نظری

بررسی نظریه‌ها حاکی از نوعی نگرش خوش‌بینانه و نیز بدبینانه نسبت به فعالیت انجمن‌های کسب‌وکار بخش خصوصی است. برخی چون السون، فریدمن، بکر و نلسون نسبت به این انجمن‌ها بدبین بوده‌اند و معتقدند که حضور تشکیل‌های بخش خصوصی هزینه‌هایی را به بازار و جامعه تحمیل می‌کند. در مقابل افرادی چون گریف، هریشمن و اوانز از کارکردهای مثبت انجمن‌های کسب‌وکار و منافع حضور آنها در اقتصاد سخن به میان می‌آورند. در ادامه مروری کوتاه بر این نظریه‌ها خواهیم داشت.

۱-۱ کارکرد رانت‌جویانه انجمن‌های کسب‌وکار

السون معتقد است منافع گروه‌های خاص نه منافع عمومی، زیربنای تصمیمات سیاسی - اقتصادی

و هادی سیاست‌های دولتی به‌شمار می‌آید و این مسئله روند فرایند رشد را کند می‌کند. او نشان می‌دهد تفاوت رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته، پس از جنگ جهانی دوم، به قدرت تشکل‌های صنفی بازمی‌گردد؛ به‌نحوی که هر قدر تشکل‌های صنفی پرقدرت‌تر باشند، عملکرد اقتصادی کشورها بدتر است (Olson, 1982).

السون تأکید دارد که تشکل‌ها و انجمن‌های کسب‌وکار همواره اهداف توزیعی و کسب رانت را دنبال می‌کنند و نفع‌طلبی‌های این تشکل‌ها، تزلزل و بی‌ثباتی اقتصاد کشور را به دنبال دارد. وی بر این باور است که برای دستیابی به پویایی و رشد اقتصادی، باید قدرت این گروه‌ها در بازار و نفوذشان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی کاهش یابد. السون نقش انجمن‌های کسب‌وکار را در اقتصاد مخرب می‌داند و معتقد است رابطه‌ای منفی بین انجمن‌های کسب‌وکار و رشد اقتصادی وجود دارد (Ibid.).

فریدمن نیز بر کارکردهای منفی انجمن‌های کسب‌وکار تأکید دارد و وجود آنها را مخل نظام بازار می‌داند. اعتقاد فریدمن بر آن است که انجمن‌ها با اعمال نفوذ بر تصمیمات دولت، از اتخاذ تصمیمات نافع برای جامعه ممانعت به‌عمل می‌آورند و بدین ترتیب منافع جمع، فدای منافع انجمنی خاص می‌شود. وی نقش تشکل‌های صنفی را این‌گونه بیان می‌کند: «خلبانان در آمریکا در ازای سه روز کار در هفته حقوقی معادل ۵۰ هزار دلار در سال ۱۹۷۶ می‌گرفتند. این حقوق بالا و باورنکردنی خلبانان به‌هیچ‌وجه نتیجه مسئولیت سنگین و مهارتشان نبود بلکه صرفاً حاصل موقعیت حفاظت‌شده آنان در چارچوب اتحادیه‌ای انحصارطلب بود. ... یک اتحادیه موفق تعداد مشاغل تحت کنترل خود را کم می‌کند. چانه‌زنی اتحادیه موجب کاهش سود می‌شود که در حال حاضر تنها ۶ درصد درآمد ملی است. یعنی همان غازی را می‌کشد که تخم طلا می‌گذارد ...» (فریدمن و فریدمن، ۱۳۷۸). بدین ترتیب فریدمن نیز نه تنها نقش اتحادیه‌ها و انجمن‌های کسب‌وکار را مثبت نمی‌داند بلکه آنها را مخل رشد اقتصادی معرفی می‌کند.

بکر بر این اعتقاد است که دولتمردان براساس قاعده نفع‌طلبی شخصی تحت تأثیر

گروه‌های قدرتمند مانند انجمن‌های کسب و کار قرار می‌گیرند، از این رو اغلب منافع گروه‌های قدرتمند را حمایت و منافع همگانی را فراموش می‌کنند. عموماً موفقیت گروه‌های قدرتمند به چگونگی سازمان‌دهی، نفوذ در دستگاه‌های دولتی و کسب رأی بیشتر از اجتماع بستگی دارد. بکر معتقد است، گروه‌های کوچک ولی بانفوذ در آمریکا تأثیر بالایی بر مصوبات و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دارند. بکر برای نمونه به ائتلاف تولیدکنندگان شکر و خودرو اشاره می‌کند: «گروه‌های تولیدکننده شکر، عدم کارایی خود را نسبت به تولیدکنندگان شکر در کشورهای دیگر، با افزایش چهار برابر قیمت‌ها و تحمیل هزینه آن بر مصرف‌کنندگان پوشش می‌دهند و یا چهار تولیدکننده بزرگ اتومبیل آمریکایی عدم رقابتی خود را در بازار جهانی با افزایش در تعرفه‌ها، سهمیه‌بندی و گرفتن یارانه جبران می‌نمایند» (متوسلی، ۱۳۷۳: ۱۱۲).

به اعتقاد نلسون، فرایند ارتقا و بهبود فناوری با تشکیل اتحادیه‌ها و تراست‌ها به خطر می‌افتد؛ زیرا اتحادیه‌ها در تلاش‌اند منافع و سود خود را افزایش دهند و از آنجا که ورود رقبای جدید و فناوری‌های جدید را مانعی برای دستیابی به سود بیشتر تلقی می‌کنند، سعی دارند با نفوذ در دولت و تأثیرگذاری بر سیاست‌های دولتی، به هر نحو ممکن از این فرایند ممانعت به عمل آورند و برای خود منفعتی کسب کنند، هرچند نتیجه تلاششان مانع رشد سریع فناوری شود (همان: ۱۱۳).

بدین ترتیب مخالفان انجمن‌های کسب و کار بر این عقیده‌اند که این تشکل‌ها، گروه‌هایی با منافع بسیار متمرکزند که می‌توانند با قدرت خود فشار زیادی بر بعضی سیاست‌های دولت وارد آورند و دولت را وادار به کاری کنند که نتایج مستقیمی برای گروهی خاص در برداشته باشد و در مقابل، دولت را از اقداماتی باز می‌دارند که برای عامه ملت مفید است. به‌طور خلاصه، از منظر این گروه از نظریه‌پردازان، تشکل‌های اقتصادی خصوصی، با نفوذ در دستگاه تصمیم‌گیری به محملی برای بازتوزیع رانت‌ها تبدیل می‌شوند و در جست‌وجوی منافع خود با هزینه دیگران‌اند.

۱-۲ کارکردهای مثبت انجمن‌های کسب و کار

اونر گریف انقلاب تجاری را زاییده امنیت بیشتر مبادلات تجاری در پرتو فعالیت انجمن‌های کسب و کار می‌داند و از انجمن‌ها به‌عنوان عوامل بهبوددهنده و ایمن‌ساز محیط کسب و کار نام می‌برد.

وی روابط تجار و مواع پیش روی فعالیت آنان را پیش از انقلاب تجاری مورد مطالعه قرار می‌دهد و این مطلب را بیان می‌دارد که تشکیل انجمن‌ها و اقدامات جمعی، در پیشبرد اهداف گروه و در رفع موانع کسب و کار، عاملی بس تأثیرگذار است. به اعتقاد گریف، اقدامات جمعی (نظیر ایجاد دادگاه‌های درون‌صنفي، تعریف رویه‌های تجاری و وضع استانداردها) از سوی صنف بازرگانان در دوران پیش از انقلاب تجاری امنیت محیط فعالیت را فراهم آورد و این مسئله نیز به‌نوبه خود، به دولت‌های حاکم در رفع نواقص خود و ناتوانایی‌های سیستم حقوقی و قضایی‌شان و نیز در فراهم آوردن محیط امن تجاری کمک کرد. از این رو گریف ایجاد اصناف و ائتلاف‌ها و همکاری‌های بخش خصوصی را برای بهبود محیط کسب و کار و به‌منظور پیشبرد اهداف اقتصادی مؤثر می‌داند (گریف، ۱۳۸۵).

آلبرت هیرشمن بر این اعتقاد است که تشکل‌ها به‌عنوان صدای صاحبان کسب و کار، اعتراضات و پیشنهادهای بخش خصوصی را به گوش تصمیم‌گیران می‌رسانند و بدین ترتیب در بهبود کیفیت تصمیمات دولت نقشی مفید ایفا می‌کنند. انجمن‌های کسب و کار قادرند با دریافت اعتراضات و پیشنهادهای اعضای خود، صدای صاحبان کسب و کار را به‌صورت نظام‌مند به گوش تصمیم‌گیران برسانند، مطالبات آنها را پیگیری کنند، مانع از اتخاذ و اجرای تصمیمات زیان‌بار شوند و در اجرایی شدن سیاست‌های نافع نقش آفرینی کنند. چنین کارکردهایی باعث می‌شود انجمن‌های کسب و کار در بهبود کیفیت دولت و تصمیماتش سهیم و از این رو از منافع دولتی کارآمد بهره‌مند شوند. تشکل‌ها بدین ترتیب مانع از گسترش نارضایتی، توسعه بخش غیررسمی اقتصاد و مانند آن می‌شوند و از این حیث انسجام اجتماعی را ارتقا می‌دهند و بخشی از بار دولت را به دوش می‌کشند (هیرشمن، ۱۳۸۲).

پیتر اوانز با ارائه نظریه دولت مستقل ریشه‌دار^۱ نقش دوگانه انجمن‌های کسب و کار را مشخص می‌کند. نظریه او مبتنی بر چند گزاره اصلی است:

۱. توسعه با دولتی حداقلی ممکن نیست. دولت باید نقش اصلی را در فرایند توسعه ایفا کند.

۲. دولت به شرطی بستر ساز توسعه است که از دو ویژگی برخوردار باشد:

● دارای نظام اداری کارآمد باشد که منافع عمومی را تعقیب کند و برای اجرای آن ظرفیت‌های لازم را داشته باشد.

● ارتباط دولت با جامعه از طریق تشکل‌های اقتصادی سازمان‌دهی شده باشد.

از نظر اوانز تشکل‌های اقتصادی از جمله انجمن‌های کسب و کار، ابزار تحقق هر دو شرط دولت توسعه‌گراست. این تشکل‌ها و انجمن‌ها می‌توانند از فساد دولت جلوگیری کنند و با ارائه اطلاعات گسترده در مورد شرایط واقعی اقتصادی از تصمیم‌گیری‌های غلط ممانعت به عمل آورند. بدون تشکل‌های اقتصادی نیز ارتباط سازمان‌یافته دولت با جامعه منتفی می‌شود و دولت نمی‌تواند به‌طور مستمر از مطالبات اجتماعی و واقعیت‌های اقتصادی، اطلاعات لازم را به‌دست آورد. تکیه بر جامعه مدنی و نهادهای گروهی آن، گردآوری و اشاعه اطلاعات را تسهیل و حرکت جمعی را تسریع می‌کند. از طریق تشکل‌های جمعی است که صدای شهروندان به کریدورهای قدرت می‌رسد، از اشتباهات دولت کاسته و جلوی حرکات دلبخواهی و خودکامانه دولت گرفته می‌شود. در واقع دیدگاه اوانز بر این امر استوار است که دولت در عین حفظ استقلال خود باید با بخش خصوصی تعامل داشته باشد (اوانز، ۱۳۸۰).

بدین ترتیب، موافقان انجمن‌های کسب و کار بر این باورند که این تشکل‌ها از یک سو می‌توانند نقش صدای بخش خصوصی را ایفا کند و با رساندن مشکلات و نظارت بخش خصوصی به دولت در بهبود کیفیت تصمیمات دولت مفید واقع شوند و از سوی دیگر با انجام اقدامات مؤثر می‌توانند در بهبود فضای کسب و کار نقش ایفا کنند.

چارچوب نظری این تحقیق حاکی از آن است که لازمه تصمیم‌سازی درست و کم‌خطا و همچنین کاهش بخشی از مسئولیت‌های دولت، استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی به‌طور عام و انجمن‌های کسب‌وکار به‌طور خاص است. بدون چنین تعاملی تصمیمات دولت ریشه در نیازهای اجتماعی نخواهد داشت، از این رو اثربخشی آن فوق‌العاده محدود خواهد بود. منتها نکته اساسی این است که سازوکارهای ارتباطی دولت و بخش خصوصی نباید به‌گونه‌ای تعبیه شود که دولت به تسخیر گروه‌های مختلف درآید و در تصمیماتش به‌جای نمایندگی منافع جامعه، منافع گروه‌های خاص را نمایندگی کند؛ یعنی دولت باید از گروه‌های ذی‌نفع و ریشه‌دار در جامعه مستقل باشد.

۲ تجارب کشورها در بهبود محیط کسب‌وکار با استفاده از ظرفیت انجمن‌های کسب‌وکار

مطالعات تجربی شواهدی را نشان می‌دهند که طبق آنها، فعالیت انجمن‌های کسب‌وکار در بهبود عملکرد اقتصادی مؤثر است. این مطالعات بحث‌های السون و دیگر مخالفان انجمن‌های کسب‌وکار را مبنی بر اینکه آنها به‌طور طبیعی به دنبال رانت‌جویی‌اند، رد نمی‌کند؛ اما بیان می‌دارد که اهداف توزیعی ممکن است با اهداف تولیدی همسو باشد. به‌عبارت‌دیگر با توجه به مطالعات تجربی، در برخی موارد ممکن است بسیاری از رانت‌های توزیعی به تولید مشترک کالاهای خصوصی و عمومی منجر شوند؛ بنابراین می‌توان گفت فعالیت‌های رانت‌جویانه، ممکن است دامنه‌ای از خدمات را فراهم کنند که باعث کاهش هزینه‌های اطلاعات، بهبود فضای کسب‌وکار و همکاری‌های دیگر شود.

براساس این مطالعات انجمن‌ها به شیوه‌های گوناگون از قبیل اطلاع‌رسانی در سطح جامعه، مشورت دادن به دولت، انجام اقدامات اجرایی و نظارتی در عملکرد اقتصاد و نیز محیط کسب‌وکار اثرگذارند. به‌طورکلی می‌توان تأثیر آنها بر عملکرد اقتصادی را به فعالیت‌های حمایت از بازار و فعالیت‌های مکمل بازار تقسیم کرد. علاوه بر این، بسیاری از

انجمن‌ها در ارتقای عملکرد دولت‌ها نیز مؤثرند و ضمن تقویت عملکرد دولت، در تهیه و تدارک کالاهای عمومی نیز به دولت یاری می‌رسانند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت برخی از کالاهای عمومی اساسی از طریق فشار انجمن‌ها بر ادارات دولتی بهتر تولید می‌شوند. مشارکت بخش خصوصی در تولید کالاهای عمومی (نظیر بهبود خدمات اداری، تقویت حقوق مالکیت، مقابله با فساد و ناکارایی و ایجاد شفافیت، فراهم آوردن زیربناها و کمک در وضع قوانین و مقررات بهتر) در قالب فعالیت‌های حمایت از بازار دسته‌بندی می‌شود. از سوی دیگر، بسیاری از انجمن‌ها در فعالیت‌های مکمل بازار نقش دارند و تلاش می‌کنند تا انواع مختلف نواقص بازار را برطرف سازند. این انجمن‌ها برای رفع نواقص بازار، اقداماتی مانند ایجاد ثبات، انجام همکاری‌های افقی از قبیل تعیین ظرفیت تولید و سهمیه‌بندی، انجام همکاری‌های عمودی با عرضه‌کنندگان بالادست و پایین‌دست، کاهش هزینه اطلاعات، تعیین استانداردها و ارتقای کیفیت و فناوری را به انجام می‌رسانند.

۲-۱- فعالیت‌های حمایت از بازار

از جمله فعالیت‌های حمایت از بازار، تقویت حقوق مالکیت است. امکان دارد در اقتصادهای سرمایه‌داری نوپا، مؤسسات و بنگاه‌ها با مشکلات بنیادی متعددی مانند سلب مالکیت (مصادره اموال) و یا انواع خطرهای حقوق مالکیت مواجه باشند. ایجاد حقوق مالکیت قوی‌تر و دفاع از آن یکی از فعالیت‌های بنیانی اکثر انجمن‌هاست.

اتاق بازرگانی بنگلادش از انجمن‌هایی است که در تقویت حقوق مالکیت کشورش نقش داشته است. قوانین مبهم و قدیمی و بوروکراسی فاسد اداری از مهم‌ترین مشکلات صاحبان کسب‌وکار در بنگلادش بوده است. اتاق بازرگانی بنگلادش با انجام تحقیقات کسب‌وکار و انتقال نتایج آن به دولت و کمک به قانونگذاران و مقامات دولت در تدوین سیاست‌ها و قوانین برای ایجاد محیط اقتصادی بازتر، توانست دولت را نسبت به مسائل کسب‌وکار آگاه سازد. نتیجه این شد که قانون کپی‌رایت اصلاح شد، عوارض گمرکی

کاهش یافت، صدای بخش خصوصی تقویت شد، محیط کسب و کار بهبود یافت و گفت و گوهای مثبت و سازنده بین دولت و جامعه کسب و کار ایجاد شد (9: CIPE, 2005).

انجمن‌های متعددی در کشورهای مختلف در ایجاد شفافیت و تأثیرگذاری بیشتر بر دولت‌ها در رفع فساد و ناکارایی نقش ایفا کرده‌اند؛ مثلاً در نیجریه، برخی انجمن‌ها در جهت بهبود عملکرد دولت در مقابله با فساد، ناکارایی و ... فعالیت می‌کنند. اتاق صنعت و بازرگانی کویت نیز انجمن دیگری است که به منظور تغییر شرایط گمرکی تشکیل شده است. همچنین انجمن‌های تایلندی مانند انجمن تولیدکنندگان سنگ‌های گران بها، توانسته‌اند فساد موجود در فعالیت‌های گمرکی را در اواخر دهه ۱۹۷۰ کاهش دهند (Doner and Schneider, 2000).

مقررات زائد و گسترده، مجوزهای متعدد، سازمان‌های بازرسی موازی و رویه‌های مبهم اداری، تعداد زیاد بازرسی‌ها، سیری ناپذیری مقامات دولتی برای اخذ رشوه و اعمال سلیقه‌های گسترده مأموران دولتی، از ویژگی‌های محیط کسب و کار قزاقستان بوده است. برای حل این مشکلات انجمن کارآفرینان آلمانی یک نظرسنجی ملی را از صاحبان کسب و کارها در خصوص موانع توسعه کارآفرینی صورت داد و تحقیقی گسترده در خصوص تعارض و ناسازگاری‌های درونی قوانین اداری به انجام رساند. در نهایت این انجمن ۲۵۳ مورد پیشنهاد برای اصلاح قوانین اداری تهیه و تدوین کرد و اطلاع‌رسانی گسترده‌ای را صورت داد. نتیجه این اقدامات، توجه پارلمان قزاقستان به پیشنهادهای انجمن و آغاز گفت و گوی مجلس و دولت با انجمن کارآفرینان برای اصلاح قوانین بود (7: CIPE, 2007).

مثال دیگر، در خصوص نقش انجمن کارآفرینان اکوادور است. این انجمن به منظور بازکاوی ریشه‌های اصلی فساد که یکی از مهم‌ترین مشکلات کسب و کار در این کشور بود، قوانین تجاری کشور و سایر قوانین مرتبط با آن را مورد بازبینی قرار داد و قوانین تجاری دوگانه و متعارض را شناسایی و حذف کرد. این انجمن ۹۲ هزار قانون آن کشور را منقح کرد و پیشنهادهای خود را برای رفع ابهامات در قوانین موجود به مجلس ارائه داد (Ibid.).

انجمن‌ها همچنین نقش مهمی را در فراهم آوردن انواع مختلف زیربناها ایفا می‌کنند.

انجمن قهوه کلمبیا، یک مورد استثنایی در توسعه زیربناهاست. انجمن مذکور به دولت پیشنهاد داد تا مالیات بر صادرات را از انجمن نگیرد و در مقابل، انجمن نیز به طور قراردادی آن را صرف خود تولیدکنندگان، زیربناهای حمل و نقل، تسهیلات بندری و هوایی و انبارها کند (Doner and Schneider, 2000).

اتاق بازرگانی و صنایع فرانسه نمونه دیگری است که در اجرای طرح‌های زیربنایی عمومی چون ساخت فرودگاه‌ها و پارک‌های صنعتی حضوری فعال دارد. این اتاق پس از دولت، دومین سازمان بزرگ آموزش شغلی در آن کشور محسوب می‌شود که با حدود ۴۰۰ مرکز آموزشی به خیل عظیمی از متقاضیان، آموزش‌های کسب و کار می‌دهد. اتاق‌های فرانسه در آموزش‌های رسمی نیز دخیل‌اند و هشتاد دبیرستان و پنجاه مدرسه بازرگانی را اداره می‌کنند. از دیگر امور قابل اشاره در مورد اتاق‌های فرانسه این است که هر اتاق، با ایجاد مرکز تشریفات شرکتی، دستورالعمل‌های حقوقی ثبت در اداره ثبت تجاری ملی را تسهیل می‌کند و بدین ترتیب، با ساده‌سازی فرایند ورود شرکت‌های جدید به بازار کار، این شرکت‌ها را مورد حمایت قرار می‌دهد. مشورت حکومت با اتاق‌های فرانسه در تمام مسائل مربوط به توسعه منطقه‌ای از الزامات قانونی این کشور است (Pilgrim and Bonn, 1995: 39-40).

اتاق بازرگانی آدیس آبابا نمونه دیگری است که هم در امور زیربنایی و هم در مسائل اجتماعی مانند قحطی، ایدز و زباله‌های شهری شرکت دارد. این اتاق همچنین با راه‌اندازی برنامه رادیویی صدای آدیس توانست مسائل و محدودیت‌های سیاست‌گذاری را روشن کند و به تشکیل شورای دائمی مشورت بخش خصوصی و دولت منجر شود (CIPE, 2005: 2).

انجمن‌ها همچنین می‌توانند نقش مؤثری در بهبود نظام قضایی ایفا کنند. به عنوان نمونه، اتاق بازرگانی و صنعت آلمان با دایر کردن دادگاه‌های حکمیت برای حل اختلافات تجاری در بهبود نظام حل اختلاف مؤثر بوده و کارکرد نظام قضایی را بهبود بخشیده است. این اتاق همچنین گفت‌وگوی دائمی را با حکومت درباره آثار احتمالی سیاست‌های حکومتی بر بخش کسب و کار برقرار کرده است که علاوه بر طرح دیدگاه‌ها و نگرانی‌های

اعضای خود به دولت، در حل مشکلات جامعه کسب‌وکار بسیار اثرگذار بوده است (Pilgrim and Bonn, 1995: 36-39).

از دیگر اقدامات انجمن‌ها، فعالیت‌هایی است که به وضع قوانین و مقررات کاراتر منجر می‌شود. به‌عنوان مثال ائتلاف کسب‌وکار مونته‌نگرو با تدوین برنامه ملی کسب‌وکار توانست تأثیر عمیقی بر دولت و سیاستگذاری عمومی بگذارد و دولت را به اصلاح سیاست‌های مالیاتی و بهبود محیط کسب‌وکار ترغیب کند. یکی از روش‌های مؤثر این ائتلاف در تأثیرگذاری بیشتر بر دولت ساخت برنامه تلویزیونی «از دولت پرسید» بود که در رساندن صدای بخش خصوصی به دولت مؤثر واقع شد (CIPE, 2005: 3).

یکی از مهم‌ترین خواسته‌های صاحبان کسب‌وکار در گرجستان، اجرای قانون اداره امور عمومی بود که آشکارا از سوی دولت نقض می‌شد و رؤسای دستگاه‌های اجرایی از پذیرش آن طفره می‌رفتند. این قانون همکاری بخش خصوصی و دولت را نهادینه کرد و نقش مهمی در رفع موانع کسب‌وکار داشت. انجمن‌های کسب‌وکار گرجستان با اطلاع‌رسانی گسترده در سطح جامعه در مورد اهمیت قانون و اعلام موارد نقض آن از طریق رسانه‌ها و همچنین صدور دادخواست علیه دستگاه اجرایی، توانستند دستگاه‌های مربوط را ملزم به اجرای قانون سازند (خیرخواهان و میدری، ۱۳۸۳: ۳۸۵-۳۸۲).

انجمن‌های کسب‌وکار تانزانیا با گفت‌وگو و ارتباط با دولت و نیز از طریق اطلاع‌رسانی لازم در مورد مسائل صنفی و مواضع سیاسی صاحبان کسب‌وکار، موجب ارتقای کارکرد سیاستگذاری و بهبود محیط کسب‌وکار شدند. حذف مالیات‌های مزاحم، بهبود کارکرد مؤسسات سیاستگذاری و بهبود خدمات عمومی، تسریع فرایند صدور اسناد زمین و قیمت‌گذاری املاک، اجرای صحیح قانون مالیات‌ها از جمله کارکردهای آنها بود (CIPE, 2005: 4).

به‌طور خلاصه، بازارها برای اینکه به‌طور مؤثر عمل کنند، به نهادهایی اتکا دارند که از فعالیت آنها حمایت می‌کنند. در بسیاری از کشورها، از جمله کشورهای در حال توسعه، این نهادها دچار کاستی‌های اساسی‌اند. برای مثال از حقوق مالکیت تولیدکنندگان و فعالان

اقتصادی حمایت نمی‌شود، قوانین و مقررات بسیار دست‌وپاگیر، موازی، متناقض و مبهم‌اند، نظام قضایی ناکارآمد است و حل و فصل دعاوی به ماه‌ها و گاه سال‌ها زمان نیاز دارد، دولت‌ها متوجه خواسته‌ها و مشکلات شهروندانی که برای آنها قانونگذاری می‌کنند، نیستند و گاهی قوانین مهم را اجرا نمی‌کنند. تمام اینها هزینه کسب‌وکار را افزایش می‌دهد و اگر صاحبان کسب‌وکار منتظر اصلاح نظام دولتی بمانند تا این موانع مرتفع شود، به احتمال زیاد به نتیجه نخواهند رسید؛ از این رو انجمن‌ها و تشکل‌های خصوصی در کشورهای مختلف ابتکار عمل را در دست گرفته، به رفع موانع یا زمینه‌سازی برای رفع آنها همت گماشته‌اند: حقوق مالکیت را تعریف و اجرا کرده‌اند یا از دولت‌ها خواسته‌اند قوانین خاصی را در این زمینه به اجرا بگذارند؛ با راه‌اندازی نظام پایش قوانین و مقررات، زمینه تنقیح قوانین را فراهم آورده‌اند؛ با تأسیس دادگاه‌های حل اختلاف تخصصی، ناکارآمدی نظام قضایی را جبران کرده‌اند؛ با راه‌اندازی جلسات گفت‌وگو میان دولت و بازار و همچنین تأسیس رسانه‌های صوتی و تصویری، دولت‌ها و مردم را از مطالبات اساسی خود آگاه کرده‌اند و جلوی تصویب مقررات ناکارآمد را گرفته‌اند و در جهت اجرای قوانین معطل کوشیده‌اند. بنابراین در دنیای معاصر، تشکل‌های خصوصی نقش بسزایی در حمایت از بازار و بهبود محیط کسب‌وکار داشته‌اند. در جدول ۱ نمونه‌های نقش‌آفرینی تشکل‌ها خلاصه شده است.

جدول ۱ رابطه دولت و بخش خصوصی و نقش تشکل‌ها در تنظیم فعالیت‌های اقتصادی

نام انجمن	نوع عملکرد
اتاق بازرگانی آلمان و فرانسه	مشورت دولت با تشکل به صورت رسمی
اتاق بازرگانی ایالات متحده، انجمن زنان فعال در کسب‌وکار مالاوی (شرکت دادن مقامات در نشست‌های خود)، انجمن‌های کسب‌وکار تانزانیا (گفت‌وگو و ارتباط با دولت) و اتاق بازرگانی آدیس‌آبابا (تشکیل شورای دائم مشورت دولت و بخش خصوصی)	مشورت دولت با تشکل به صورت غیررسمی

جدول ۱ رابطه دولت و بخش خصوصی و نقش تشکل‌ها در تنظیم فعالیت‌های اقتصادی

نام انجمن	نوع عملکرد
آلمان (کارآموزی شغلی، ثبت کسب‌وکار، برپایی دادگاه‌های حکمیت و صدور اسناد تجارت خارجی) فرانسه (کارآموزی شغلی و انجام برخی امور زیربنایی)	وظیفه‌سپاری دولت به تشکل‌ها
ائتلاف کسب‌وکار مونته‌نگرو (تدوین برنامه ملی کسب‌وکار و اصلاح سیاست‌های مالیاتی)، انجمن‌های کسب‌وکار تانزانیا (اطلاع‌رسانی مواضع صاحبان کسب‌وکار)، انجمن‌های کسب‌وکار گرجستان (اطلاع‌رسانی موارد نقض قانون)، انجمن کارآفرینان آلمانی (انجام اقدامات جمعی و تشکیل گروه‌های کارشناسی)، جامعه کسب‌وکار برزیل (ایجاد شبکه اطلاعاتی) و انجمن تولیدکنندگان ابزار جراحی پاکستان (استانداردسازی)	بهبود محیط کسب‌وکار
اتاق بازرگانی آدیس‌آبابا (متنوع‌سازی و افزایش خدمات در جهت جذب اعضای جدید مثلاً ساخت برنامه رادیویی)، اتاق بازرگانی ایالات متحده (ایجاد شبکه اطلاعات علمی برای اتاق‌های محلی، اطلاع‌رسانی گسترده از طریق رادیو و تلویزیون)، ائتلاف کسب‌وکار مونته‌نگرو (ساخت برنامه تلویزیونی برای رساندن صدای بخش خصوصی)، انجمن کسب‌وکار تانزانیا (اطلاع‌رسانی مسائل صنفی) و انجمن‌های کسب‌وکار گرجستان (اطلاع‌رسانی در سطح جامعه)	ارائه خدمات به اعضا

۲-۲ فعالیت‌های مکمل بازار

از جمله فعالیت‌های مکمل بازار، می‌توان فعالیت انجمن‌هایی را نام برد که تلاش دارند تا نواقص مختلف بازار را رفع کنند. یکی از نقش‌های اساسی انجمن‌ها، ترمیم اقتصاد در سطح کلان و ایجاد ثبات برای آن است. کاهش تورم یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل اقتصاد کلان محسوب می‌شود. سیاست‌های درآمدی و ایجاد قیمت‌های توافقی بین کارفرمایان، کارگران و دولت، هزینه‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد؛ اما مسلماً اجرای چنین سیاست‌هایی مستلزم وجود اتحادیه‌ها و انجمن‌هایی است که قادر به تصمیم‌گیری و اجرای قدرتمندانه این

سیاست‌ها باشند. در کشورهای در حال توسعه، توافق‌های ملی بر سر چنین متغیرهایی، مانند تورم، دستمزدها و ... بسیار نامعمول است؛ این در حالی است که چنین مسائلی در غرب اروپا یکی از مهم‌ترین وظایف انجمن‌ها به‌شمار می‌آید. در واقع انجمن‌های کسب‌وکار بزرگ، می‌توانند هزینه‌های اقتصادی-اجتماعی تثبیت و تعدیل اقتصاد را کاهش دهند.

در مکزیکو، در اواخر سال ۱۹۸۷، نمایندگان تجار، دولت و نیروی کار به نخستین توافقات خود بر سر دستمزدها، قیمت‌ها (عمومی و خصوصی)، نرخ‌های ارز و مخارج دولت رسیدند تا بتوانند تورم را، از بیش از صد درصد، به سطوح پایین و قابل کنترل در طول یک سال برسانند (Doner and Schneider, 2000).

انجمن‌ها همچنین در کنترل بازارهای حساس فعالیت می‌کنند تا منافع اعضای آنها حفظ شود؛ مثلاً تلاش بر این است تا از رقابت ویرانگر در بازارهای محصول و عوامل جلوگیری شود. به‌عنوان مثال، انجمن تولیدکنندگان لباس ترکیه به‌منظور توسعه نفوذ و قدرت بنگاه‌های کوچک در توزیع سهام‌ها (سهام هر بنگاه از تولید و توزیع) شکل یافته است. این انجمن نه تنها مدیریت نظام سهمیه‌بندی را عهده‌دار است، بلکه توزیع سایر مزیت‌ها و منافع حاصل را نیز مدیریت و کنترل می‌کند. فدراسیون صنایع نساجی کره نیز سهمیه‌بندی‌ها را در این صنعت کنترل می‌کند تا با ایجاد صندوقی، به مدرن کردن صنعت نساجی کره کمک کند (Ibid.).

در سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۷۷ و در پی فشار ایالات متحده به تایوان، به‌منظور ایجاد توافقات تجاری در صنعت کفش، هفت انجمن کفش تایوان به‌طور مشترک انجمن تولیدکنندگان کفش تایوان را شکل دادند. هدف کلی این انجمن، بازسازی صنعت کفش بود تا بتواند با رقبای دیگر به رقابت بپردازد. این انجمن از مدیریتش بر سهمیه‌بندی استفاده کرد تا قیمت‌ها را پایین آورد و همچنین گروه‌های کارشناسی کنترل کیفیت را به‌طور هماهنگ با مرکز بهره‌وری چین تشکیل دهد (Ibid.).

انجمن‌ها همچنین نقش مهمی در نشان دادن شاخص‌هایی چون کاهش ظرفیت بازار ایفا

می‌کنند. به عبارت دیگر، انجمن‌ها عدم کارایی ناشی از به کارگیری نادرست ظرفیت‌ها را تعیین و در رفع چنین مشکلاتی در بازارها نقشی مهم ایفا می‌کنند. مثلاً انجمن ریسندگان نخ تایوان تولید بنگاه‌ها را تحت کنترل دارد تا از این طریق بتواند قیمت نخ و یا میزان صادرات آن را کنترل کند (کنترل تولید برای کنترل قیمت و میزان صادرات). در کلمبیا نیز انجمن قهوه کلمبیا، از قدرت خود بهره می‌جوید تا نوسانات قیمت جهانی قهوه را خنثی کند؛ مثلاً هنگامی که قیمت جهانی پایین است، قهوه خود را انبار می‌کند و در زمان بالا بودن قیمت، قهوه خود را به بازار عرضه می‌دارد (هماهنگ‌سازی اعضا به منظور مقابله با نوسانات بین‌المللی). در نیجریه، انجمنی وجود دارد که بر قیمت‌های پیشنهادی در بازار نظارت دارد تا مبادا قیمت‌ها به گونه‌ای باشند که کشاورزان را مجبور به ترک فعالیت و بازار کنند (نظارت بر قیمت‌ها). در تایلند نیز انجمن‌هایی تأسیس شده‌اند تا از اختلافات میان کشاورزان و خریداران عمده شکر جلوگیری کنند (حل اختلاف) و همچنین صادرات شکر را سامان بخشند. در تایوان، صنعت بافندگی از آزادسازی واردات نخ حمایت می‌کند، درحالی‌که صنعت ریسندگی با این موضوع مخالف است. انجمن ریسندگی تایوان، پیشنهاد عرضه باثبات و قیمت پایین‌تر را در ازای عدم حمایت از آزادسازی واردات نخ، به بافندگان تایوانی ارائه کرده است (هماهنگی در طول زنجیره عرضه) (Ibid.).

می‌توان گفت یکی از اساسی‌ترین نقش‌های انجمن‌ها تسهیل عرضه، کنترل قیمت و یکسان کردن کیفیت محصولات بنگاه‌های ضعیف و قوی است. این عمل از طریق تشویق سرمایه‌گذاری در ظرفیت‌های جدید و همچنین تطبیق استانداردها و فناوری‌های جدید در صنعتی خاص موجب ترقی کارایی داخلی می‌شود.

مسئله دیگر این است که ایجاد ارتباطات قوی بین بنگاه‌ها (به‌ویژه بنگاه‌هایی که در نقاط مختلفی پراکنده‌اند) توسط انجمن‌ها ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. به‌عنوان مثال، توفیق صنعت کفش ورزشی تایوان و ادامه رشد صادرات آن، به کیفیت بالای پلاستیک مورد استفاده در این کفش‌ها وابسته است. وظیفه هماهنگی و مرتبط ساختن

تولیدکنندگان کفش و پلاستیک، برعهده انجمن صادرکنندگان کفش پلاستیکی تایوان است. به عبارت دیگر، توافقات بین‌بخشی توسط انجمن‌های کسب‌وکار (اغلب با وساطت دولت) می‌تواند آزادسازی اقتصاد را تسهیل کند و زنجیره‌های تولیدی صنایع مربوط را باهم منطبق سازد. این انجمن از قدرت خود برای کاهش تعرفه مواد خام بهره می‌جوید تا در مقابل کاهش تعرفه محصولات نهایی از تولیدکنندگان داخلی حمایت کند. انجمن تجارت بین‌الملل مکزیکو در مکزیک نیز با ایجاد هماهنگی و توافق بین تولیدکنندگان ضعیف و قوی (کوچک و بزرگ) آنها را برای انجام مذاکرات با دولت آماده و هماهنگ می‌سازد (Ibid.).

نکته دیگری که در مورد فعالیت انجمن‌ها وجود دارد این است که فعالیت آنها، هزینه‌های اطلاعات را کاهش می‌دهد؛ بنابراین می‌توان این موضوع را یکی از ساده‌ترین و واضح‌ترین موارد بهبود کارایی دانست. انجمن تولیدکنندگان کفش مکزیک، اطلاعات بسیار مفیدی را برای خرده‌فروشان این صنعت فراهم آورده است. اتاق بازرگانی ایالات متحده با ایجاد شبکه اطلاعات علمی فرصتی را برای اتاق‌های محلی بازرگانی به‌منظور تأثیرگذاری و شکل دادن به سیاست‌های دولت مهیا کرده است. این اتاق همچنین با اداره یک شبکه پیشرفته رادیویی و تلویزیونی به انتشار مباحث مختلف کسب‌وکار می‌پردازد تا اعضا و عموم مردم را نسبت به مسائل کسب‌وکار آگاه سازد (Pilgrim and Bonn, 1995: 40-42).

وجود اعتماد میان صاحبان کسب‌وکار شرط رونق اقتصادی محسوب می‌شود. اتاق بازرگانی برزیل با راه‌اندازی یک شبکه درونی اطلاع‌رسانی در کاهش کلاهبرداری میان بازرگانان گام مهمی برداشته است. در این شبکه افرادی که چک آنها برگشت خورده است و یا به تعهدات قانونی خود عمل نکرده‌اند، به بازرگانان عضو معرفی می‌شوند. این کار اتاق موجبات کاهش فرصت‌طلبی و افزایش اعتماد میان صاحبان کسب‌وکار را فراهم کرده و بدین ترتیب یکی از موانع کسب‌وکار در برزیل را نیز مرتفع ساخته است (خیرخواهان و میدری، ۱۳۸۳: ۱۱۵-۱۱۴).

از دیگر نقش‌های انجمن‌ها تعیین استانداردها (داخلی یا بین‌المللی) است. در واقع استانداردها گذاری باعث کاهش هزینه اطلاعات برای خریداران می‌شود. در بازارهای صادراتی کالاهایی مانند برنج و قهوه، شکست یک بنگاه در رسیدن به حداقل استاندارد، باعث تخریب شهرت تمام بنگاه‌های کشور ذی‌ربط می‌شود. در دهه ۱۹۵۰، انجمن تجارت تایلند صادرکنندگان برنج را وادار کرد تا استانداردهای موجود را رعایت کنند. در این راستا دولت تایلند تنها به تولیدکنندگانی مجوز صادرات داد که استانداردها را رعایت می‌کردند. همچنین انجمن قهوه کلمبیا نیز برای صادرکنندگان قهوه، چنین قوانینی را اعمال می‌کند. انجمن تولیدکنندگان وسایل الکتریکی تایوان از استانداردها برای کنترل کیفیت محصولات الکتریکی تایوانی بهره می‌جوید تا از شهرت و نام آنها در بازار بین‌المللی دفاع کند. انجمن تولیدکنندگان خودروی تایوان، استانداردهای کیفیت خود را با استانداردهای آلمان و ایالات متحده هماهنگ کرده است. همچنین تولیدکنندگان چاپگر و دستگاه‌های رنگرزی تایلند، استانداردهای زیست‌محیطی خود را با استانداردهای اتحادیه اروپا هماهنگ کرده‌اند (Doner and Schneider, 2000).

شایان ذکر است یکی از راه‌های ارتقای فناوری و رعایت استانداردها، تشکیل انجمن‌هایی با این اهداف است. در واقع این انجمن‌ها با برگزاری سمینارها و کلاس‌های مختلف، فهم اعضا از فناوری را افزایش می‌دهد و از این‌رو سطح کیفی محصولات نیز بهبود خواهد یافت. انجمن‌هایی مانند انجمن تجارت تایلند و انجمن تولیدکنندگان خودروی تایوان توانسته‌اند از این طریق کیفیت محصولات اعضای خود را ارتقا بخشند. انجمن تولیدکنندگان خودروی تایوان همچنین با تشکیل آژانس‌های نظارتی و برپایی سمینارهای متعدد، اعضای خود را از روش‌های مختلف کنترل کیفیت آگاه ساخته است. در برزیل، در اوایل دهه ۱۹۷۰، مؤسسات آموزش فنی و یک مرکز فناوری، به منظور افزایش ظرفیت و کیفیت صنعت محلی کفش و دستیابی به فرصت‌های صادراتی باهم همکاری می‌کردند (Ibid.). از دیگر نمونه‌های برجسته و موفق انجمن‌ها در این خصوص، انجمن تولیدکنندگان

ابزار جراحی در پاکستان است. در سال ۱۹۹۴ که ابزار جراحی پاکستانی موفق به اخذ استانداردهای بین‌المللی نشد، وزارت غذا و داروی ایالات متحده، واردات ابزار جراحی را از پاکستان محدود کرد. از این رو انجمن با جدیت و پیگیری توانست نظر دولت پاکستان را در مورد حمایت‌های مالی، به منظور ارتقای کیفی ابزار، ایجاد آزمایشگاه‌های جدید، آموزش‌های فنی و دادن وام به تولیدکنندگان محلی جلب کند. دولت نیز با هماهنگی انجمن صنفی و از طریق تأمین دانش فنی لازم برای کسب گواهی، به خوشه صنعتی مزبور و به ویژه شرکت‌های کوچک و متوسط کمک کرد تا بحران را از سر بگذرانند (اشمیز و دیگران، ۱۳۸۱: ۳۹۱-۳۳۳).

جدول ۲ فعالیت‌های بخش خصوصی در جهت تکمیل بازار

نام تشکل	نوع فعالیت
انجمن تجار مکزیکو (۱۹۷۸)، تلاش برای کاهش تورم از حدود صد درصد به حد منطقی)	تثبیت اقتصاد کلان (نظیر کنترل نرخ تورم، اصلاح نرخ ارز و ...)
انجمن تجارت بین‌الملل مکزیکو در مکزیک (ایجاد هماهنگی و توافق بین تولیدکنندگان ضعیف و قوی (کوچک و بزرگ) برای انجام مذاکرات با دولت)	ایجاد توافق میان دولت، کارفرمایان و کارگران
انجمن تولیدکنندگان لباس ترکیه	جلوگیری از رقابت ویرانگر در بازار
فدراسیون صنایع نساجی کره، انجمن تولیدکنندگان کفش تایوان، انجمن تجارت تایلند و انجمن تولیدکنندگان خودروی تایوان	نوسازی صنایع و ارتقای کیفیت
انجمن ریسندگان نخ تایوان و انجمن قهوه کلمبیا	مدیریت ظرفیت تولید، نظارت بر قیمت‌ها و حمایت از اعضا در مقابل نوسانات قیمتی
انجمن ریسندگی تایوان و صنعت بافندگی تایوان (توافق بر سر آزادسازی واردات نخ)، انجمن صادرکنندگان کفش پلاستیکی تایوان (ایجاد هماهنگی بین تولیدکنندگان کفش و پلاستیک)	هماهنگی در طول زنجیره عرضه

جدول ۲ فعالیت‌های بخش خصوصی در جهت تکمیل بازار

نام تشکل	نوع فعالیت
انجمن تولیدکنندگان کفش مکزیکی (تهیه اطلاعات بسیار مفید برای خرده‌فروشان این صنعت)، اتاق بازرگانی ایالات متحده (ایجاد شبکه اطلاعات علمی و اداره یک شبکه پیشرفته رادیویی و تلویزیونی)	کاهش هزینه‌های دسترسی به اطلاعات
انجمن تجارت تایلند (الزام صادرکنندگان برنج به رعایت استانداردها)، انجمن قهوه کلمبیا (الزام صادرکنندگان قهوه به رعایت استانداردها)، انجمن تولیدکنندگان وسایل الکتریکی تایوان (استفاده از استانداردها برای کنترل کیفیت و حمایت از شهرت بین‌المللی محصولات تایوانی)، انجمن تولیدکنندگان خودروی تایوان (هماهنگ کردن استانداردهای داخلی با استانداردهای آلمان و ایالات متحده)، تولیدکنندگان چاپگر و دستگاه‌های رنگرزی تایلند (هماهنگ‌سازی استانداردهای زیست‌محیطی با استانداردهای اتحادیه اروپا)، انجمن تولیدکنندگان ابزار جراحی در پاکستان (استانداردسازی ابزار جراحی و غلبه بر تحریم ایالات متحده)	تقویت استانداردها و الزام اعضا به رعایت استانداردهای تعیین شده
اتاق بازرگانی برزیل (راه‌اندازی یک شبکه درونی اطلاع‌رسانی و معرفی افرادی که چک آنها برگشت خورده و افرادی که به تعهدات قانونی خود به بازرگانان عضو عمل نکرده‌اند)	ایجاد اعتماد و کاهش کلاهبرداری

در مجموع، نمونه‌های فوق مؤید این ادعاست که بخش خصوصی از طریق انجمن‌های کسب‌وکار می‌تواند فعالیت‌های خود را در جهت تکمیل بازار و غلبه بر کاستی‌های آن هماهنگ کند و از این طریق رقابت‌پذیری فعالان اقتصادی را افزایش دهد. با اینکه در اقتصادهای در حال توسعه گاهی فعالیت‌های حمایت از بازار مشاهده می‌شود، کمتر شاهد نقش‌آفرینی فعالان کسب‌وکار به‌منظور تکمیل بازار و رفع کاستی‌های آن هستیم. در

جدول ۲ خلاصه‌ای از فعالیت‌های مکمل بازار بخش خصوصی گزارش شده است.

۳ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تجارب کشورهای مختلف در ارتباط با تشکل‌ها و انجمن‌های بخش خصوصی، این فرضیه را پیش کشیده است که تشکل‌های بخش خصوصی می‌توانند نواقص بازار را جبران کنند (حمایت از بازار) و با هماهنگی کردن تلاش‌های صاحبان کسب‌وکار، موانع فعالیت خود را مرتفع کنند (تکمیل بازار). در این چارچوب، بخش خصوصی نه تنها از طریق حل مسائل خود محیط کسب‌وکار را بهبود می‌بخشد، بلکه با قید گذاشتن بر اقدامات تصمیم‌گیران و مجریان اقتصادی و تنظیم رفتارهای ایشان، انجام کسب‌وکار را در اقتصاد تسهیل می‌کند.

مرور ادبیات نظری نشان می‌دهد که متشکل شدن صاحبان کسب‌وکار دو جنبه متفاوت دارد. از یک سو، تشکل‌های خصوصی ممکن است به محملی برای توزیع رانت تبدیل شوند و منافع اعضای خود را به هزینه سایر اعضای جامعه دنبال کنند. از سوی دیگر، بخش خصوصی بهتر از هر کسی مشکلات خود را می‌شناسد، انگیزه رفع مسائل خود را دارد و می‌تواند ضامن اجرای تصمیم‌های اتخاذ شده باشد. بنابراین ادبیات نظری را می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که باید از ظرفیت تشکل‌های بخش خصوصی به منظور بهبود محیط کسب‌وکار استفاده کرد، ولی نباید اجازه داد دولت به تسخیر یک یا چند تشکل خصوصی درآید و عملاً زمینه بازتوزیع منافع جامعه را به نفع اعضای آنها مهیا کند.

مرور تجارب بین‌المللی نشان می‌دهد تشکل‌ها کارکردهای مثبت فراوانی دارند و استفاده از آنها به بهبود محیط کسب‌وکار منجر می‌شود. انجمن‌های کسب‌وکار از قدرتی برخوردارند که می‌توانند با استفاده از آن اعضا را به انجام فعالیت‌های مختلفی وادارند، که در غیر این صورت انجام نمی‌شد. در واقع، انجمن‌ها با تغییر ترجیحات و یا رفتار اعضا، آنها را به انجام چنین فعالیت‌هایی متمایل می‌کنند. نکته قابل توجه این است که قدرت مذکور به

شیوه‌های مختلفی اعمال می‌شود؛ به‌عنوان مثال، انجمن قهوه کلمبیا اعضای خود را وادار به رعایت استانداردهای کیفیت می‌کند؛ انجمن‌های تایوانی و کره‌ای، فقط به آن دسته از اعضایشان که استانداردها و قوانین آنها را رعایت کنند، مجوز صادرات می‌دهد. برخی دیگر از انجمن‌ها نیز برای رسیدن به هدف ارتقای فناوری، اعضا را مستقیماً تحت فشار قرار نمی‌دهند؛ بلکه با ارائه مشاوره‌های اطلاعاتی و فنی، به‌طور غیرمستقیم در تصمیم‌گیری‌های آنان نفوذ کرده و از این طریق آنها را متقاعد به سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید می‌کند. انجمن‌های کسب‌وکار بخش خصوصی با توسل به راه‌های مختلف، در جهت اثرگذاری بر سیاست‌های دولت و جلوگیری از اتخاذ تصمیمات اشتباه کوشیده‌اند؛ به‌عنوان مثال اتاق بازرگانی ایالات متحده با اداره یک شبکه تلویزیونی و رادیویی و ایجاد شبکه اطلاعات علمی، اتاق بازرگانی بنگلادش با انجام تحقیقات کسب‌وکار، انجمن کارآفرینان اکوادور با بازبینی قوانین و برپایی سمینارها، اتاق بازرگانی گرجستان با اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌ها، انجمن‌های کسب‌وکار تانزانیا با برپایی کنفرانس‌های گفت‌وگو میان بخش خصوصی و دولت، انجمن کارآفرینان آلمانی قزاقستان با برگزاری فعالیت‌های رسانه‌ای و اتاق بازرگانی آدیس‌آبابا با ساخت برنامه رادیویی، هر یک توانسته‌اند حضور و نقششان در تصمیم‌گیری‌های دولتی را نهادینه کنند. بر اثر این تلاش‌ها، دولت‌ها نیز به این نتیجه دست یافته‌اند که با مشورت‌گیری از بخش خصوصی، امور مربوط کارایی بهتر می‌یابد.

انجمن‌ها همچنین از طریق اقدامات مؤثر در بهبود محیط کسب‌وکار توانسته‌اند نقش خود را در اقتصاد به اثبات رسانند. این انجمن‌ها هر یک با انجام دادن فعالیتی، محیط اقتصادی کشور خود را تحت تأثیر قرار داده‌اند. برخی با استانداردسازی و بالا بردن کیفیت کالای خود مانند انجمن تولیدکنندگان تجهیزات جراحی پاکستان، انجمن قهوه کلمبیا، انجمن تولیدکنندگان خودروی تایوان و ...، برخی با اقدامات زیربنایی چون انجمن قهوه کلمبیا، اتاق بازرگانی فرانسه، برخی با کاهش هزینه اطلاعات مانند صاحبان کسب‌وکار در برزیل، انجمن نساجی تایلند و ...، برخی با رفع موانع گمرکی مانند اتاق صنعت و بازرگانی کویت و انجمن

تولید کنندگان سنگ‌های گران‌بهای تایلندی. این اقدامات و تلاش‌ها هرچند در جهت منافع خود انجمن‌ها بوده است، اما آثار سرریزی برای اقتصاد کشورها به دنبال داشته و هزینه‌های دولت‌ها را - که در واقع مسئولیت اصلی انجام این امور را به عهده داشتند - کاهش داده است. در واقع این انجمن‌ها توانسته‌اند از طریق ایجاد رانت و استفاده درست از آن، به توسعه اقتصادی کشورشان کمک کنند؛ بدون اینکه انتظاری بیش از دستیابی به منافع اعضایشان داشته باشند. از این رو این انجمن‌ها با انجام چنین اقداماتی، نقش مثبت خود را در کشور به اثبات رسانده‌اند و دولت را مجبور به بده‌بستان کرده‌اند؛ زیرا دولت‌ها نیز به کارکرد این انجمن‌ها و نقش مؤثر آنها در بهبود محیط اقتصادی کشور پی برده‌اند.

در این میان برخی دولت‌ها نیز با آگاهی از نقش انجمن‌ها، بعضی امور تخصصی را به انجمن‌ها سپرده‌اند، که از آن جمله می‌توان به اتاق فرانسه که کارآموزی شغلی، اتاق بازرگانی آلمان که برپایی دادگاه‌های حکمیت، اتاق بازرگانی فرانسه و انجمن قهوه کلمبیا که اجرای برخی طرح‌های زیربنایی و ... را برعهده گرفته‌اند، اشاره کرد. با توجه به این مطالب، نتایج بدین شرح قابل استخراج است:

۱. لازمه تصمیم‌سازی درست و کم‌خطا و همچنین کاهش بخشی از مسئولیت‌های دولت، استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی است. بدون چنین تعاملی تصمیمات دولت ریشه در نیازهای اجتماعی نخواهد داشت و از این رو اثربخشی آن فوق‌العاده محدود خواهد بود. منتها سازوکارهای ارتباطی دولت و بخش خصوصی نباید به گونه‌ای تعبیه شود که دولت به تسخیر گروه‌های مختلف درآمد و در تصمیماتش به‌جای نمایندگی از منافع جامعه از منافع گروه‌های خاص نمایندگی کند. یعنی دولت باید مستقل از گروه‌های ذی‌نفع و ریشه‌دار در جامعه باشد و ضمن حفظ استقلال خود، با انجمن‌ها رابطه‌ای سازنده برقرار کند. در واقع باید از ظرفیت‌های بخش خصوصی به‌منظور بهبود محیط کسب‌وکار استفاده کرد، ولی نباید اجازه داد که تحت نفوذ یک یا چند تشکل خصوصی درآید و عملاً زمینه بازتوزیع منافع جامعه را به نفع اعضای تشکل مهیا کند.

۲. سیاستگذاری و قانونگذاری نامناسب، به افزایش هزینه مبادلاتی، ناامنی فضای کسب‌وکار و بی‌ثباتی در سیاست‌های اقتصادی منجر خواهد شد. انجمن‌های کسب‌وکار از طریق تولید و عرضه اطلاعات مناسب برای سیاستگذاری و با ارائه مشاوره و توصیه‌های کارشناسی به سیاست‌مداران می‌توانند به بهبود فرایند سیاستگذاری و در نتیجه بهبود عملکرد اقتصاد و نیز ارتقای فضای کارآفرینی کمک کنند. دولت می‌تواند با برگزاری نشست‌های ادواری با انجمن‌های کسب‌وکار از ایده‌های کارساز بخش خصوصی بهره‌مند شود تا بدین‌وسیله ضمن جلوگیری از اتخاذ سیاست‌های زیان‌بار، خطای کمتری در تصمیم‌گیری‌ها رخ دهد. در این میان حتی می‌توان برخی مسئولیت‌ها را به بخش خصوصی سپرد، اما آنچه نباید فراموش شود این است که با وجود نقش‌های بسیار مثبت و برجسته انجمن‌های کسب‌وکار، تأثیر منفی آنها می‌تواند مخرب و مختل‌کننده اقتصاد باشد؛ بنابراین در مسئولیت‌سپاری‌ها باید دقت لازم صورت گیرد و وظایفی که انحصارطلبی را در انجمن‌ها افزایش می‌دهد و منافع گروه‌های دیگر را به خطر می‌اندازد، به این بخش سپرده نشود. از این‌رو، در تعریف جایگاه برای تشکل‌های بخش خصوصی نباید اختیارات و وظایفی برای آنها در نظر گرفته شود که مبتنی بر بازتوزیع منافع باشد. در مقابل، این نهادها باید در جهت تکمیل کردن نهادهای بازار و بهبود محیط کسب‌وکار تعریف شوند و وظایفی چون ایجاد شبکه‌های اطلاعاتی، شوراهای حل اختلاف، گفت‌وگو با دولت، تعریف و ترویج استانداردها و نظایر آن را برعهده بگیرند. این قبیل وظایف مصادیق فعالیت‌های مورد حمایت نظریه پردازان خوش‌بین است و تعارضی با محتوای استدلالی نظریه پردازان بدبین ندارد.

۳. تعامل میان دولت و صاحبان کسب‌وکار از یک‌سو زاینده توانمندی‌های نظام اداری و از سوی دیگر محصول ظرفیت‌ها و قدرت این تشکل‌هاست. در سایر کشورها، تشکل‌ها با تلاش خود و بدون اتکا به دولت، اقدامات مناسبی در جهت رفع نواقص بازار و ایجاد فضای مساعد کسب‌وکار به‌عمل آورده‌اند. دولت‌ها نیز با آگاهی پیدا کردن از ظرفیت‌های آنها به همکاری بیشتر با بخش خصوصی تمایل یافته‌اند. تشکل‌های بخش خصوصی برای

حضور مؤثرتر در اقتصاد، باید توانمندی‌ها و قابلیت‌های خود را به اثبات رسانند. بنابراین باید تلاش خود را افزون سازند و به جای انتظار برای ایجاد فرصت از سوی دولت، خود در راستای اقداماتی مناسب به منظور تکمیل و حمایت از بازار که در ایجاد فضای مساعد کارآفرینی مؤثر است قدم بردارند. اگر تشکل‌های صنفی فاقد ظرفیت کارشناسی برای نقد و بررسی مقررات باشند و نحوه تعامل با دولت را ندانند، ارتباط دوسویه میان حکومت و تشکل‌های صنفی شکل نمی‌گیرد. از این رو افزایش ظرفیت‌ها و کاهش نقاط ضعف تشکل‌های اقتصادی، اقدامی مثبت در جهت توسعه اقتصادی به شمار می‌آید.

منابع و مأخذ

- اشمیز، ندوی و دیگران (۱۳۸۱). *خوشه‌های صنعتی*، ترجمه عباس مخبر و عباس زندباف، تهران، طرح نو.
- اوانز، پیتر (۱۳۸۰). *توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی*، ترجمه عباس زندباف و عباس مخبر، تهران، طرح نو.
- بانک جهانی (۱۳۷۸). *نقش دولت در جهان در حال تحول*، ترجمه حمیدرضا برادران شرکا و دیگران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- خیرخواهان، جعفر و احمد میدری (۱۳۸۳). *حکمرانی خوب بنیان توسعه*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- فریدمن، میلتن و رز فریدمن (۱۳۷۸). *آزادی انتخاب*، ترجمه حسین حکیم‌زاده جهرمی، تهران، نشر و پژوهش‌ورزان روز.
- گریف، اونا (۱۳۸۵). «نهادها و تجارت بین‌الملل: آموزه‌های انقلاب تجاری»، ترجمه رضا مجیدزاده، *اقتصاد سیاسی تحول همه‌جانبه*، سال اول، ش ۳.
- _____ (۱۳۸۶). «قابلیت اجرای قرارداد و نهادهای اقتصادی تجارت ابتدایی: ائتلاف تجار مغربی»، ترجمه رضا مجیدزاده، *اقتصاد سیاسی تحول همه‌جانبه*، سال دوم، ش ۴.
- متوسلی، محمود (۱۳۷۳). *خصوصی‌سازی یا ترکیب مطلوب دولت و بازار در توسعه اقتصادی*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- میدری، احمد (۱۳۸۷). «انجمن‌های کسب‌وکار و رفع موانع رشد بخش خصوصی»، همایش نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، سازمان بازرسی کل کشور.
- _____ (۱۳۸۷). «درس‌هایی از سرنوشت بزرگ‌ترین خصوصی‌سازی ایران - مطالعه موردی شرکت صدرا»، *بولتن تخصصی اقتصاد ایران*، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ش ۴.
- میدری، احمد و اصلان قودجانی (۱۳۸۷). *سنجش و بهبود محیط کسب‌وکار*، انتشارات جهاد دانشگاهی و انجمن مدیران صنایع.
- نصیری اقدم، علی (۱۳۸۷). «چارچوب طرح بهبود محیط کسب‌وکار و چگونگی اصلاحات»، *بولتن تخصصی اقتصاد ایران*، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ش ۲.

هیرشمن، آلبرت (۱۳۸۲). خروج، اعتراض و وفاداری، ترجمه محمد مالجو، تهران، نشر و پژوهش شیرازه.

CIPE (2005). *Associations in Action: Local Agents for Change*, Economic Reform Case Study, Center for International Private Enterprise.

Doner, Richard F. and Ben Ross Schneider (2000). "Business Associations and Economic Development: Why Some Associations Contribute More Than Others", *Business and Politics*, Vol. 2, No. 3.

Fedotov, Victor I. (2007). *Organizational and Legal Models of Chambers*, Business Associations Study, Center for International Private Enterprise.

Kurz, Sonja and Alena Frode (2005). *Promoting the Business and Investment Climate Experiences of German Technical Assistance*, Economic Policy and Private Sector Development, Germany.

Mancur Olson. (1982). *The Rise and Decline of Nation*, Yale University Press.

_____ (1983). *The Political Economy of Growth*, Edited by D.C. Mueller, Yale University Press.

Pilgrim, Markus and Ralf Meier Bonn (1995). *National Chambers of Commerce a Primer on the Organization and Role of Chamber Systems*, Center for International Private Enterprise (CIPE), Washington, D.C.

World Bank (2005). "Building the Capacity of Business Membership Organizations: Guiding Principles for Project Managers", World Bank Group, Small and Medium Enterprise Department.

Yongqiang, Gao (2006). "How Firms Influence the Government Policy Decision-making in China", *Singapore Management Review*.